



دانشگاه لرستان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله علمی - تخصصی تاریخ



University of Lorestan  
Faculty of Letters and Humanities

A Journal of History  
By  
Department of History

تاریخ  
ایران و اسلام

*Tarikh-e  
Iran va Islam*



تاریخ - مجله علمی - تخصصی

سال دوم ، شماره چهارم ، پائیز و زمستان ۱۳۸۷

## تأثیر تحرکات ابدالی‌ها در خراسان بر زوال حکومت صفویان

دکتر جواد عباسی\*

چکیده:

در نودهه پایانی حکومت صفویه و سال‌های پس از آن نازمان ظهور نادر، مشرق ایران شاهد یکی از دوره‌های بحرانی و بحرانی خود بود. غفلت و ضعف روزافزون حکومت صفوی از یک سو و سیاست منفعل گورکانیان هند در منطقه از سوی دیگر زمینه ساز بروز شورش‌ها و سر برآوردن قدرت‌های محلی مهمی شد که میرویس و محمود غلزایی در قندهار و اسدالله خان ابدالی در هرات از رهبران مهم آنها بودند. ناتوانی حکومت صفوی و کمزوری آن در منطقه در مهار این قدرت‌ها موجب شد تا سال‌ها پیش از سقوط اصفهان، حاکمیت دولت مرکزی در خراسان با چالش‌های اساسی روبه‌رو شود. منابع تاریخی مربوط به اواخر عصر صفوی، عموماً گزارش‌های زوال حکومت صفوی را با انعکاس اوضاع این منطقه شروع می‌کنند اما تمرکز و تأکید آنها بیشتر متوجه قضایای قندهار و نا حدودی هرات و اقدامات غلزایی‌ها است و در مورد اوضاع بخش‌های غربی‌تر خراسان به اشاراتی کلی بسنده کرده‌اند. حال آنکه شرایط این مناطق نیز در بررسی زمینه‌های زوال حکومت صفوی، شایسته تأمل و توجه است. در واقع اقدامات ابدالی‌ها در داخل خراسان در این سال‌ها تبدیل به یکی از مشکلات حکومت صفوی و عاملان آن در خراسان شده بود و بخش مهمی از وابستگان نظامی حکومت صفوی در خراسان نیز برای فرونشاندن امواج غارتگری و توسعه طلبی این گروه صورت گرفت. مقاله حاضر بر آنست تا با تمرکز بر اوضاع مناطق یاد شده، اهمیت توجه به تحرکات ابدالی‌ها در مطالعات مربوط به سقوط حکومت صفوی را تبیین نماید.

واژه‌گان کلیدی: غلزایی‌ها، ابدالی‌ها، خراسان، سقوط صفویان

\* دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ و فرهنگ، فروردیسر مشهد.

## فهرست مطالب

- ۱ نقش شیعیان امامی‌انسی عشیری در اسلام‌پذیری ایلخانان ..... (دکتر سید ابوالفضل رضوی)
- ۲۳ مناسبات امیر علیشیر نوابی با سده‌تن از نجفگان فر هنگی، همعصرش ..... (دکتر دکتر ا. محمدی - سیده مرضیه حسینی)
- ۴۱ نگاه‌های نظامی صفویان در راه رسیدن به قدرت (جنبه، صبر، اسماعیل) ..... (دکتر احمد کامرانی فر)
- ۶۳ تأثیر تحرکات ابدالی‌ها در خراسان بر زوال حکومت صفویان ..... (دکتر جواد عباسی)
- ۷۹ موانع اصلاحات عباسی میرزا قاجار نایب‌السلطنه در بخش‌های دربار، سپاه و نهاد دین ..... (فریده فرهمندزاده)
- ۱۱۱ ماجرای قتل امیر کبیر (بررسی روان‌شناختی، فرآیند منجر به قتل) ..... (دکتر محمدرضا جلالی - دکتر ذکرت‌الله محمدی - میلاد ریاضی پور)
- ۱۳۷ سقوط نیمروزکش (باتکیه بر آتاهم جاسوسی وی برای شوروی) ..... (دکتر مهدی صلاح - حمید حکیمی شرم)

## مقدمه

در عرصه برآمدن و برافتادن حکومت‌ها در ایران بعد از اسلام، بدون تردید چگونگی و عطل سقوط حکومت صفویان را می‌توان از بسیاری جهات حائز ویژگی‌های خاصی دانست. شاید به همین دلیل است که از زمان وقوع این رویداد تاکنون همواره توجه شاهان صفوی، سورهان و پژوهشگران به این موضوع جدی به آن جلب شده است. در بررسی عطل این مسأله نیز به موضوعات مختلفی اشاره شده است که از جمله آنها می‌توان کاهش کارایی نظام سیاسی و اداری، رقابت‌های مخرب رحل سیاسی و نظامی، ضعف سپاه، غفلت از اوضاع ولایات مرزی و رویکرد مذهبی حکومت صفوی را برشمرد. با این همه با توجه به اهمیت این رویداد، کند و کاو در مورد آن و تلاش برای تبیین بیشتر چگونگی و عوامل آن همچنان جلب توجه می‌کند.

تا آنجا که به رویدادنگاری این حادثه مربوط می‌شود، غالباً شورش افغان‌های غزایی در شرق ایران به عنوان نقطه شروعی تلقی شده است که برآیند آن به تصرف اصفهان به دست آنها و سقوط حکومت صفوی منتهی شد. در این زمینه تمرکز مورخان و پژوهشگران عمدتاً بر ناکامی‌های افغان‌های غزایی‌ها و قدرت‌یابی روزافزون آنها بوده است. اما به نظر می‌رسد تمرکز یاد شده گاه موجب کم‌توجهی به سایر رویدادها و تحولات شده باشد. از جمله این تحولات می‌توان به اوضاع داخلی خراسان اشاره کرد. منظور از خراسان در این جا منطقه‌ای است که خارج از محدوده فعالیت‌های غزایی‌ها و در غرب آن قرار داشت و ظاهر احکامیت صفویان بر آنجا همزمان با سقوط اصفهان و حتی پس از آن همچنان برقرار بود. نتایج و گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد فعالیت‌های گروه دیگری از افغان‌ها یعنی ابتدایی‌ها در این بخش‌ها نیز، در سال‌های پایانی عصر صفوی منسکات زیادی برای حکومت و کارگزاران آن در منطقه به وجود آورده بود. توجه و تأکید بر این مشکلات و رویدادهای مربوط به آنها می‌تواند حاکی از این باشد که ضعف حکومت صفویان بر شرق ایران در گستره‌ای بسیار وسیع‌تر از قندهار و حوالی آن وجود داشته است و گاهی قسمت اعظم خراسان را در بر می‌گرفت است.

مقاله حاضر با چنین فرضی می‌کوشد تا بر اوضاع مناطق مرکزی و جنوبی خراسان توجه بیشتری کرده، نقی آشفتگی‌ها و ناامنی‌های به وجود آمده در این مناطق توسط ابتدایی‌ها را در تصمیم حکومت صفویان نشان دهد. علاوه بر این، استنادات ارائه شده در این مورد، عمیق‌نمایی‌ها در منطقه و وضع مصیبت‌بار زندگی مردم در بعضی قسمت‌ها را به تصویر می‌کشد و به نوعی منعکس کننده تاریخ اجتماعی و اقتصادی منطقه در دوره مورد بحث نیز خواهد بود.

## ابتدایی‌ها در میانه غزایی‌ها و حکومت صفوی

در سال ۱۱۲۰ هجری قمری با به قتل رسیدن کرگین خان، والی منصوب شاه سلطان حسین در قندهار به دست نیروهای تحت فرمان فیرویس (میرزایس) قور و شورش غزایی‌ها (غزایی‌ها) در شرق ایران آغاز شد. از آن پس شیخ «همواره در اطراف به چیلان و تطاول و ایدکی خلاق برداشتند». تلاش‌های حکومت صفوی از جمله «ترام نیروی» به فرسادهی کبخسرو برادرزاده کرگین خان و سپس محمدزمان خان قیصرچی باشی برای فرونشاندن این شورش نیز با ناکامی همراه بود. در ادامه این وضع فیرویس توانست تا سال ۱۱۲۷ حکومت خویش را بر قندهار تثبیت کند.

حکومت صفوی هم در عمل مجبور به پذیرش این واقعیت شد. در این سال‌ها ابتدایی‌ها نیز که بیشتر در زمان شاه عباس اول از قندهار به هرات کوچانده شده و در عهد فرمانروایی شاه عباس دوم از ریختن غزایی‌ها از جا نمانده بودند، در صدد بهره برداری از اوضاع برآمدند. آنها که برگرگزارش مورعسی صفوی، ییلاقدان در حوالی بادغیس و قتلایقان در شرق هرات ناسنوار بود و در عهد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین هرات خانوار بودند، ابتدا به سپاه خسروخان که از سوی دربار صفوی برای سرکوب فیرویس عزائم شده بود، پیوستند اما با شکست این حرکت، عده‌ای از آنها کشته و بقیه با دیگر سه‌هزار هرات ستواری شدند.<sup>۲</sup>

## حملات ابتدایی‌ها به مناطق داخلی خراسان و رویارویی آنها با سپاه صفوی

در پی تحولات فوق، ابتدایی‌ها که از رویارویی با غزایی‌ها ناتوان بودند، از سوی خود را از اقتدار حکومت صفوی رها می‌دیدند، ابتدا هم خویش را مصروف حفظ استقلال خود در هرات کردند، شهری که در ۱۱۲۲ در تصرفات بود. سپس منوجه پیشروی و غارتگری در نواحی داخلی خراسان یعنی مناطق حدفاصل قلات، ناسنهد شدند. با تصرف هرات توسط محمود افغان<sup>۱</sup> این تصرفات تشدید شد. در مورد اهمیت هرات در تحولات شرقی ایران باید به این نکته توجه داشت که از نظر تقسیمات اداری آنجا در بیشتر دوران صفویه به‌نگریگی کن خراسان بود و حتی مشهد مدت‌ها زیر نظر آنجا قرار داشت.<sup>۳</sup>

در هر حال از حدود سال ۱۱۲۸ دفع افواج ابتدایی به مسائلهای مهم برای حکومت صفوی و کارگزاران آن در خراسان (به مرکزیت مشهد) تبدیل شد و سپاهیان قرلباش را بازها به رویارویی با آنها در ظاهر و ظلم و ستم کارگزاران حکومت صفوی نیز به شورشگری ابتدایی‌ها دامن می‌راند است.<sup>۴</sup> بنا بر نوشته مورعسی ابتدایی‌ها در این زمان بر توابع هرات از جمله نیمه شافلان تا شوگ و باختر و از سمت جنوب تا حد سیستان

که مربوط به سال‌های ۱۱۳۱ و ۱۱۳۲ و مشتمل بر درآمد موقوفات می‌باشند، از هجوم افغان‌ها به عنوان علل کاهش محصول ارضی وقتی نیز ضرورت تخفیف به بهره برداران این ارضی یاد شده است. "در چندین شرایطی دربار صفوی که به قصد حرکت به سوی خراسان در تهران مستقر شده بود، درباره ضرورت یک لشکر کشی تمام عیار یا صدور شخصی ناه دچار نبرد و دو دستگی شد. با این همه فردی برای ابلاغ توصیه حرکت به سوی خراسان عازم مشهد شد. این فرد سراینده مکاتبات نامه بود که خود در این باره چنین گفته است:

رساله به اهل خراسان نوبد  
که اینک شهنشاه ایران رسید  
به چاباری این عاجز ناتوان  
ز قزوین شدم سوی مشهد روان  
رسالدم به فرمان آن بی قرین  
نوبدی که اصلا نرسد دانشین  
من از لطف یاران رسیدم به کام  
ولی کار یاران همه بود خام<sup>۲۶</sup>

پس از چندین مجادله و اختلاف، سرانجام با حذف فتخعلی خان اتمندالدوله (که بر این لشکر کشی باری می‌فشارد) در اثر دسیسه چینی‌های معاندش همچون محمدحسین ملازنی و رحیم خان حکیم باشی، برنامه حرکت به سمت خراسان منتفی و مقرر شد اسماعیل خان سپهسالار با اموال مصاحبه شده از اتمندالدوله و پادزاده اش لطیفی خان به سوی خراسان برود و شاه و همراهمی به اصفهان برگردند.<sup>۲۷</sup> گزارشی مستوفی در مورد اوضاع داخلی خراسان و عملکرد ابدالی‌ها در همین جا به پایان می‌رسد و از آن پس او نیز همچون دیگر مورخان متوجه تکاپوهای محمود خان و رویدادهای منتهی به سقوط اصفهان می‌شود. سراینده مکاتبات نامه از تصمیمات فوق به عنوان عملی نابخردانه یاد کرده است:

رسدم به طهران ز مشهد  
درون حال این مستمند ضعیف  
که آنگاه شومند از ضررهای آن  
بگفتم به هر یک نهان و عیان  
نسازند از آن عالمی را خراب  
نگردند راجع ز راه صواب  
که بیزار گشته ز شاهنشاهی  
ازین بود معلوم هر الهی  
فنا تخت شاهی و خون‌ها هدر  
که خواهد شد از رجعت آن سفر

پس از شکست ابدالی‌ها از محمود که با بروز اختلافات و درگیری میان سرکردگان آنها همراه بود از اهمیت نقش سیاسی - نظامی ایلان به عنوان یک نیروی تعیین کننده در خراسان تا حدودی کاسته شد و تا مدتی فقط به حملات نامنظم و غارتگرانه به شهرها و روستاها می‌پرداختند. در عوض نیروی تازه‌ای به ریاست ملک محمود سیستانی در جنوب خراسان سر برآورد. به همین دلیل اسماعیل خان سپهسالار

سلط شده بودند.<sup>۲۸</sup> در همین سال ۱۱۲۸ اسدآباد، خان ابدالی (مستوفی، سعیدآباد، خان) پس از شکست دادن سپاه قزلباش تا جام پستی ۲۴ فرسخی، مشهد پیش آمد و تلاش منصورخان شاهسون، بیگلربیگی مشهد، برای مقابله با او به شکست انجامید.<sup>۲۹</sup>

پس از شکست منصورخان شاهسون، شاه سلطان حسین، فتخعلی خان ترکمان میر شکار یابی را مأمور خراسان کرد. اما او نیز از ابدالی‌ها شکست خورد.<sup>۳۰</sup> به دنبال آن اسدآباد، خان تا مشهد پیش آمد. او اگرچه در تصرف مشهد ناکام ماند اما پیش از بازگشت به هرات، قلعه قندگانه را ویران کرد. او سپس توانست سپاه قزلباش به فرماندهی صفی قلی خان ترکستان اوغلی را که در پی دفع تهاجم ازبکان و ترکمانان راهی هرات رسیده بود، در سال ۱۱۲۹ در دو مایلی غرب هرابرود در کنار جاده هرات به مشهد شکست دهد.<sup>۳۱</sup> بدین ترتیب سپاهیانی که حکومت صفوی مأمور سرکوب ابدالی‌ها می‌کرد، یکی پس از دیگری با شکست مواجه می‌شد.<sup>۳۲</sup> آنچه سیوری مزاحمت‌های ابدالی‌ها برای حکومت صفوی و از سوی دیگر کمکی برای محمود افغان در جهت رسیدن به اهدافش تلقی می‌کند در همین شرایط سیاسی و نظامی قابل ارزیابی است.<sup>۳۳</sup> وجود تاجزوری چون «فاغانه هرات»، «فاغانه قره‌م»، «فاغانه خوان» و «فاغانه سنگان خواب» در وقایع ننگاری‌های این عصر، گویای نقش تعیین کننده ابدالی‌ها در تحولات این زمان و تفکیک آنها از غزالی‌ها است.<sup>۳۴</sup>

## تعطل حکومت صفوی و تداوم تاخت و تاز ابدالی‌ها

در پی رویدادهای یاد شده بود که در اصفهان بحث از حرکت شخص شاه به خراسان در رأس سپاهی تازه به میان آمد. و او برای تدارک این کار رنجی قزوین شد.<sup>۳۵</sup> از بحث خوش، اما مستعجل شاه سلطان حسین، کمی بعد غزالی‌ها و ابدالی‌ها که خود را حاکمین حکومت مرکزی رها می‌دیدند، به چنان هم افتادند.<sup>۳۶</sup> خان ابدالی سررست از بیروزی‌های خویش عزم کرد اما از محمود که اکتون به چای مبرورس نشسته بود، شکست خورد و محمود برای حدنگر بهره برداری از شرایط پیش آمده، سر او به عنوان هدیه برای شاه صفوی فرستاد.<sup>۳۷</sup> مرگ اسدآباد، خان (سال ۱۱۳۱)، تأثیری جدی بر شاه صفوی که خواهان تقیاده مسالمت‌آمیز او بود بر جای گذاشت.<sup>۳۸</sup>

با این همه چنان که در ادامه خواهیم آمد این رویدادهای تها به سرازیرت‌های ابدالی‌ها پایان نداد بلکه موج تاخت و تازهای آنها را متوجه مناطق دیگر خراسان به ویژه نواحی خواب و قانات کرد. گوشه‌هایی از پیامدهای این حملات در اسناد مربوط به موقوفات آستان قدس رضوی منعکس شده است. در این اسناد

پس از ورود به مشهد سپاهی راه فرماندهی فیضعلی خان فاجرا را می سرکوب او کرد که نوبتی یافت.<sup>۲۸</sup> توضیح آنکه ملک محمود کمی بیشتر به حکومت تون و طبرستان منصوب شده بود، اما در حالی که موفق به برقراری امنیت در منطقه و نیز دفع آفات و آفات ایدالی نشده بود، در اثر سمایات ها و مخالفت های میرزا عبدالقادر کلاتر تون و طبرستان، مورد بی مهری دربار صفوی قرار گرفت. در مقابل او با کشتن میرزا عبدالقادر بر عالی سبب گرفت.<sup>۲۹</sup> پس از نیکسبت اسماعیل خان، شاه سلطان حسین در صدد دلجوئی از ملک محمود برآمد، اما این دلجوئی نیز دیری نپایید و بار دیگر مورد بی مهری دربار صفوی قرار گرفت.<sup>۳۰</sup> ایجاد منظر این مقاله اهمیت دارد آن است که گرفتاری های ملک محمود با دربار صفوی که به رفتن او به سمت نزد صفوی شده، به ایدالی ها که اکنون اختلالات داخلی شان نیز فروکش کرده بود، این امکان را داد تا بار دیگر در منطقه فعال شوند. اهمیت این تجدید نیرو تا بدان جا رسید که در سال ۱۱۲۴ محمدخان افغان با ۲۰ هزار نفر مشهد را در حصار گرفت.<sup>۳۱</sup> در یادداشت های روزانه فردی گمنام که در جریان غارتگری های ایدالی ها در حدود خواف تا قائن در سال های ۱۱۲۴ و ۱۱۲۵ و ۱۱۲۶ و ۱۱۲۷ آخرین ماه های حاکمیت صفویان نوشته شده ایجاد این وضع به خوبی منعکس شده است.

«به تاریخ دوشنبه یوم شهر شمعان سنه ۱۱۲۴ فوجی از افغان خواف غزله وارد بیابان استغین (شده) و قزوین که در برج قلعه پنده افغان را از بیم فرسنگ پییده مرده را مخیر نموده بودند و جموان مردم تماما در بیابان در جزا بوده و افغان حیوانات را دیدند از بیم فرسنگ لاسب انداخته بود حیوان از الاغ و گاو بردند و دو نفر از مردم استغین که مستحفظ حیوانات بودند به درجه شهامت رسیدند و در سراب نورآباد سه نفر از اسفغان بوده اند یکی از خوبی افغان خود را به چاه ایداخته و دو نفر دیگر نیز به درجه شهامت رسیده بودند و فوج دیگر نیز در همین چند روز میزور وارد قریه العین (شده) و در قریه میزور بینه و دو رأس الاغ و گاو برده و دو نفر طفل که حیوانات را به چرا برده بودند، قید جفا نموده دو نفر دیگر که سر راه ایشان بوده اند، به درجه شهامت رسیده بودند و از جمله بیست و دو رأس الاغ و گاو و یازده رأس از مردم استغین بوده. غرض دیگر عجزه و مساکین و بیچارگان استغین را حیوان نمادند. اندک (انگه) عمالی خدایه قریه رسد»<sup>۳۲</sup> در گزارش همین فرد از رویدادهای ماه بعد (روز سیزدهم ماه رمضان سال ۱۱۲۴) ایدالی گسترده تری از غارتگری ها و کشتار و اسارت مردم این مناطق به دست افغان های مهاجم با ذکر نام کشته شدگان و اسیران به چشم می خورد.<sup>۳۳</sup>

در چنین شرایطی بود که شاه سلطان حسین در جبین محاصره اسفغان برای بار سوم به ملک محمود سیستانی که در نزد مستقر بود، روی آورد و از او برای مقابله با محمود افغان درخواست کمک کرد.<sup>۳۴</sup>

اشاره و تاریخ نگار هلندی در این باره<sup>۳۵</sup> بر می آید که این ماجرا مربوط به حدود چهار ماه پیش از سقوط اسفغان بوده است. بر اساس شنیده های واقع نگار هلندی، که از نظر او موفق بلقی شده است، ملک محمود از بد به کاشان رفت، و به طهراسب میرزا پیوست.<sup>۳۶</sup> اما بنا به روایتی دیگر ملک محمود در کاشان با دریافت خبر سقوط قریه، التوجه اسفغان، هدایایی برای محمود افغان فرستاد. محمود نیز از او خواست تا با وی بیوفتد و با به خراسان بازگردد.<sup>۳۷</sup>

روند بعدی رویدادها حاکی از آن است که ملک محمود بدون درگیر شدن در ماجرای سقوط اسفغان و تحولات پس از آن به خراسان بازگشت و در آنجا سرگرم بسط قدرت و قلمرو خویش شد. در این ایام اسماعیل قلی خان، حاکم مشهد، در بی شورستی، در شهر آواره شده، شخصی به نام ملا روشی (بابا قدرتی) اداره امور را در دست گرفته است. ملا روشی که نگران قدرت روزافزون غلظتی ها در اسفغان و ایدالی ها در خراسان بود، دست نیاز به سوی محمود سیستانی دراز کرد تا با همکاری وزارت خود به او، بر اقتدار خویش بیفزاید. از سوی دیگر ملک محمود نیز این پیشامد را به فال نیک گرفت و با به نام انداختن ملا روشی به آسانی بر مشهد تسلط یافت.<sup>۳۸</sup>

ملک محمود در ادامه به جای درگیر شدن با ایدالی ها، متوجه استرآباد، سبزوار، قوچان، کمبود و کلات شدند.<sup>۳۹</sup> جزیب لاهیجی نیابت این وضع را چنین از زبانی می کند: «هو در آن هنگام مملکت خراسان، به سبب شورش و دعوی سی هزار کس افغانه ایدالی در دارالسلطه هرات و طغیان ملک محمودخان والی ولایت نیروز در مشاهد طوس، به هم بر آمد و سکنه آن مملکت گرفتار آشوب شده، کشتن و کوشن عام شد»<sup>۴۰</sup>

گزارش روزانه نویسنده ای گمنام دربار اوضاع حوالی قائن و عساکر ایدالی ها بخش نخست منظر جزیب لاهیجی را تأیید می کند: «به تاریخ اول محرم ۱۱۲۵ جماعت افغانه وارد کتک شاخن (شده) و در شب، جمعه در خان های مرزعه و اشال مشغول سازدن بودند که جماعت مزبور علی الغله برجه ریخته جمعی کثیر به قید اسیری درآورده هفت حوت کاری به درجه شهامت رسیدند و فوجی دیگر علی الغله وارد مرزعه جان احمد کتک امک گردیدند. قلعه میزوره را به حیطه تصرف درآوردند و بیست سی نفر اسیر و دو سه نفر قتل نمودند و زاید بر این در مرزعه میزوره میزورند. و فوجی دیگر به حوالی قائن رفته اگر چه به اعتبار بعد مسافت چگونگی معلوم نیست اما مجلا سه چهار هزار حیوان آوردند و جمعی کثیر اسیر و قتل نمودند و... خدا به فریاد رسد»<sup>۴۱</sup> اهمیت مطلب آن گاه بیشتر می شود که بدانیم این گزارش مربوط به یازده روز پیش از تسلیم شدن شاه سلطان حسین به محمود افغان (۱۲ محرم ۱۱۲۵) بوده است.

بال بیشتر، اهداف شورشگرانه و توسعه طلبانه خویش را بی‌گیری نمایند. اسبوی دیگر بخشی از توجه حکومت صفوی معلوف به مقابله با ابدالی‌ها نگرده، ابدالی‌ها در بخش‌هایی از خراسان نالسنی‌های گسترده‌ای را رقم زدند که زندگی مردم را به شدت مختل نمود. به همین جهت در بررسی اوضاع سال‌های پایانی حکومت صفویان و نیز تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خراسان، توجه صرف به اوضاع قندهار و عمادکرد غزنایی‌ها و رویدادهای عمده مرتبط با مرکزیت سیاسی ایران نمی‌تواند به تنهایی روشنگر تمامی ابعاد مسأله باشد و ضروری است شرایط در دیگر بخش‌های خراسان و مسائل مرتبط با ابدالی‌ها نیز مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

## ابدالی‌ها پس از سقوط اصفهان

بدین ترتیب حاکمیت ملک محمود در متعهد نیز به آشوبگری ابدالی‌ها در خراسان پایان نداد. حتی با سرگرم شدن ملک محمود به رویارویی با تاجران ارام‌نازه کی نیز بیادگر، گزارش‌های مربوط به تاخت و تازهای افغان‌ها در حد فاصل خواف تا زاین در سال‌های ۱۱۳۶ و ۱۱۳۸ تأییدی بر این مطالب است. از جمله آن که در ربیع الاول سال ۱۱۳۸ نزدیک به هزار نفر از افغان‌ها وارد روستای اسفین شده و هزار گوسفند اهالی را با خود بردند. آنها در قائن نیز با کشتن و آسیر کردن فریب به صدفتر، امیال بسیاری را غارت کردند.<sup>۲۳</sup> به همین دلیل بود که ناصر در گفت و گوهایی خود با ماهماسب دوم، دفع ابدالی‌ها را بر هر اقدام دیگری از جمله رفتن به سوی اصفهان مقدم دانست<sup>۲۴</sup> و پس از تصرف مشهد «کمربتنتمم کار خراسان بست».<sup>۲۵</sup> احتمالاً شکایات مکرر مردم مناطقی چون خواف، نرسبز و قائنات از ستم ابدالی‌ها نیز ناصر را در این کار مصمم‌تر می‌کرد.<sup>۲۶</sup>

ناصر نوانسنت طی سال‌های ۱۱۳۹ تا ۱۱۴۱ ابدالی‌ها را تا هرات عقب براند<sup>۲۷</sup> و آنها را در این شهر در محاصره گیرد اسکندر (schoref) گزرنشگر هندی همه این پیشرفت‌ها را به شخص طهماسب نسبت می‌دهد و می‌افزاید او هرات، قندهار و هرات را تصرف کرده و آماده بود تا بزرگی مقابله با اشرف اعزاز تهران می‌شود.<sup>۲۸</sup> ابدالی‌ها که به شدت در تنگنا قرار گرفته بودند به اشرف افغان در اصفهان متوسل شدند. اشرف در رأس سپاهی عازم خراسان یا به نوشته اسکندر تهران شد و ناصر با ابدالی‌ها مصالحه کرده به مقابله با اشرف شناخت.<sup>۲۹</sup> در این شرایط ابدالی‌ها که به قول لاهیجی «عومه خالی بافته بودند»<sup>۳۰</sup> بار دیگر تاخت و تاز در خراسان را از سر گرفتند. آن چنان که در سال ۱۱۴۳ آنی تا مشهد پیش آمدند.<sup>۳۱</sup> به همین جهت ناصر چند بار دیگر نیز بر سر آنها لشکر کشید تا سرانجام توانست در سال ۱۱۵۰ آنی را به اطاعت از خود وادار کند.

## نتیجه‌گیری

همزمان با بروز ناآرامی در سمرقند ایران و تخریبات غزنایی‌ها در قندهار در سال‌های پایانی حکومت صفوی، گروه‌های دیگری از افغان‌ها نیز در مناطق داخلی خراسان (خواف و قائنات تا مشهد) برای حکومت صفوی، کارگران آن در منطقه و مردم محلی مشکل‌آفرین شدند. اسان که عمدتاً از ابدالی‌ها بودند، در طی دو دهه پایانی حکومت صفوی و یکی دو دهه پس از آن ضمن به آشوب‌کنندگی خراسان بخش مهمی از توجه و توان این حکومت و سپس ناصر را به خود مصروف داشتند. این وضع به غزنایی‌ها امکان داد تا با فراخ



- ۴۹- مروی، همان، ص ۱۰۱ و p260, Floor, opcit,  
 ۵۰- حزین لاهیجی، همان، ص ۲۳۷.  
 ۵۱- منولی حقیقی، یوسف، افغانستان و ایران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰.

- ۲۷- گمنام، ۱، صص ۲- ۱۲۸۱.  
 ۲۸- لکه‌پورت، همان، ص ۱۴۱.  
 ۲۹- طهرانی، همان، صص ۱۱۹- ۱۲۴.  
 ۳۰- همان منبع، صص ۱۲۵-۱۲۶ و ۱۲۸-۱۲۷.  
 ۳۱- مروی، همان، ص ۲۳.  
 ۳۲- گمنام، ۲، همان، برگ اب  
 ۳۳- همان منبع، برگ‌های اب تا ۵ الف.  
 ۳۴- مروی، همان، ص ۳۷ و طهرانی، همان، ص ۱۲۹.  
 ۳۵- فالور، ویلم، برافزاندن صفویان- برآمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۵، ص ۱۷۷.  
 ۳۶- همان منبع، ص ۱۸۱.  
 ۳۷- مروی، همان کتاب، ص ۳۷. طهرانی اشاره‌ای به مرادفات ملک محمود سیستانی با محمود افغان نمی‌کند و گزارش او حاکی از آن است که ملک محمود در نزد اسفوط مصنفان با خیر شده بود (همان، ۱۳۰).  
 ۳۸- طهرانی، همان، ص ۱۳۳ و استرآبادی، همان، صص ۱۳- ۱۲.  
 ۳۹- همان منبع، ص ۱۳۹.  
 ۴۰- حزین لاهیجی، شیخ محمد علی، تاریخ و سفرنامه حزین، تصحیح علی دوانی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۵.  
 ۴۱- گمنام، ۲، برگ ۵ الف.  
 ۴۲- طهرانی، همان، صص ۱۲۸ و بعد.  
 ۴۳- گمنام، ۲، برگ‌های ۵ الف و پ و ۶ الف.  
 ۴۴- استرآبادی، همان، ص ۱۶۰ و لکه‌پورت، همان، ص ۳۶۹.  
 ۴۵- حاج محمد حسین، همان، ص ۸۷.  
 ۴۶- مروی، همان، صص ۶۲ و ۹۳.  
 ۴۷- همان منبع، صص ۱۰۱-۹۵ و استرآبادی، همان، صص ۱۲۸- ۱۲۷.  
 ۴۸- Floor, opcit, p260.



- ۱۶- عماد، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۶۸.
- ۱۷- متولی حقیقی، یوسف، افغانستان و ایران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳.
- ۱۸- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل، مجمع التواریخ، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۲۸.
- ۱۹- مروی (وزیر مرو)، محمد کاظم، عالم آرای نادری، به تصحیح و با مقدمه و توضیحات و حواشی و فهرست‌ها محمد امین ریاحی، جلد اول، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۴.
- ۲۰- مستوفی، محمد محسن، زنده‌التواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۵.
- ۲۱- نصیری، میرزا علی نقی، القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی، تصحیح یوسف رحیم لو، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۱.
- 21-Floor, Willem, The Afghan Occupation Of Safavid Persia 1721-1729, Association Pour L' avancement Des Etudes Iraniennes, Paris, 1992.

- منابع و مأخذ
- ۱- استرآبادی، میرزا مهدی، تاریخ جهانگشای نادری، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۸.
- ۲- ابن، زهر، نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکاؤوس جهانباری، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۷.
- ۳- حاج محمد حسین (۱۱۶۰)، اخبار الایام (ب ۲)، میکرو فیلم شماره ۱۰۳۸۸، مشهد، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- ۴- حزین لاهیجی، شیخ محمدعلی، تاریخ و سفرنامه حزین، تحقیق و تصحیح علی دوانی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۵- دوسرسو، علل سقوط شاه سلطان حسین، ترجمه دکتر ولی الله شانان، تهران، کتاب سرا، ۱۳۶۴.
- ۶- رستم الحکما، محمد هاشم آصف، رستم التواریخ، تصحیح محمد مشیری، تهران، بی نا، ۱۳۴۸.
- ۷- روشمر هانس رورت، ایران در راه عصر جدید، ترجمه آذر آهنجی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- ۸- سوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- ۹- طهرانی، (زاد)، محمد شفیق، مرآت واردات، مقدمه، تصحیح و تعلیقات منصور صفت گل، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳.
- ۱۰- فلور، ویلم، برافغانن صفویان - بر آمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۵.
- ۱۱- قزوینی، ابوالحسن، فوایدالصفویه، تصحیح، مقدمه و حواشی مریم میراحمدی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۱۲- کروبسنسکی، تادو زبودا، سفرنامه کروبسنسکی، ترجمه عبدالرزاق دبلی، با مقدمه و تصحیح مریم میراحمدی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۳.
- ۱۳- گمنام، مکافات نامه در شرح چگونگی برافغانن صفویان، در: جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
- ۱۴- گمنام، یادداشت‌هایی راجع به حمله افغان به سرحدات ایران، مشهد، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، نسخه خطی شماره ۴۲۹۲.
- ۱۵- لکهپارت، لارس، انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی